

خیار عیب ← به دلیل فقدان وصف ملات



① این عیب باید موجود باشد -
یا صین العقد
یا قبل از تسلیم
+

② مخفی از طرف عقد

خیارات املاک حق بهای دهند - حق منفع
حق منفع
یا
خیار بعض منفعه
یا
تسلیم
۲ تا خیار طایع. آحق بهای دهند -
یا
حق منفع
یا
خیار عیب
یا
مطالبه ارزش

ماده ۴۲۳ ہے معای عیب مخفی یا واقعاً مستور بوده

ظاہر بوده دلی ستری ملتفت نئده

قبل از تسلیم عیب ایجا رسود ہے حکم عیب
صن العقد

بعد از تسلیم عیب ایجا رسود

اے امولاً خیار عیب نداریم

اگر عیب صن العقد وجود داشت

نقص ہے تلف جزئی

اگر مال موضوع معامله قبل از تسلیم تلف شود
(تلف بیع قبل از بیع)

اے معامله منسوخ می شود

اگر قسمی از بیع تلف شود (نقص)
بے بیدارتن نئده ہے معامله منسوخ
اے بے بای می مانده ہے معامله صحیح
خیار تبعض منقعه

عیب بعد از تسلیم اصولاً حق منفع نمی دهد

آه اگر عیب در تسلیم عیب سابق باشد.

ماده ۴۲۹ - در احوال حق منفع نداریم. فتاوازش می تواند بگیرد.

① انتقال مرادادی ~~نه~~ ^{موقع انتقال به غیر از عیب فبرند است}
چون اگر فبرند است و فرو برنده است باطنی
خیار عیب

② تفسیر برگشت ناپذیر ^{مثل صانکاری ماشین، ضلع گذاشتن نه}

③ تلف مال چه تهری چه انسانی (زندگستی)

④ عیب جدید به مال افغانه شود علاوه بر عیب حسن تسلیم
(اگر عیب جدید، ناشی از عیب سابق باشد) به حق منفع رجاس

در احوال مورد فوق مانع منفع ^{رد} - فتاوی تواند ارس بگیرد
↓ منفع عملی

لحظه تسلیم، کالا معیوب بوده



اگر عیب جدید، ناشی از عیب سابق باشد
حق منفع سرچاش

بعد از تسلیم، عیب جدید ایجاد شده

اگر عیب جدید، ناشی از عیب قبلی نباشد
اصولاً حق منفع ندارد فقط مطالبه ارزش

فقط مشتری حق منفع داشته

مگر عیب جدید، در زمان حیات مختص مشتری ایجاد شده. (مجلس، حیران،
تطبیق مشتری شرط)

خیار مجلسی که با مع خیار مجلسی را از خود استعفا داده

خیار شرطی که فقط برای مشتری حق منفع نداشته ام

اگر عیب جدید، در بازه زمانی ایجاد شود که

فقط مشتری خیار دارد

حق منفع سرچاش

کالا من تسلیم میوب بوده (عیب شماره یک)

اگر بعد از تسلیم عیب جدیدی ایجا رسود (عیب شماره ۲)

لے امدلاً حق منفع و جود ندارد. فقط ی کوان ارسو رفت

① عیب جدید، تائی از عیب سابق باشد.

استاء
② عیب جدید، در بازه زمانی ایجا رسود که فقط مشتری
خیار داشته

خیار شرط ۱ جای نه فقط برای مشتری، شرط خیار دمج کرده ایم.

خیار صیوان ۱ - فقط مشتری تا ۱۲ روز حق وضع دارد.

خیار مجلسی که با مع که خیار مجلس را از فرد استا و کرده

قاعدہ ۱۔ ہے اگر حین العقد از عیب خبر داشت

(منع نہ اریں) لہ ضاریب ندارد.

قاعدہ ۲۔ ہے اگر با علم بہ ضاریب، انتقال بدسد

لا انتا ط ضمنی ضاریب

منع نہ اریں

قاعدہ ۳۔ ہے برای منع در ضاریب

محم این است کالا با سرائو اریہ ،

قابل تسلیم بہ فرزندہ باشد

خریدار اگر کالا را به غیر انتقال داد

بعد کالا «باره برگشت پس خودش

اگر بدون اطلاع از ضایع، انتقال داده بود، بلیه منفس
برگردد

اگر با اطلاع از ضایع، انتقال داده بود، اسقاط ضمنی
ضایع

«الف» بعد از خرید یک دستگاه اتومبیل، آن را بلافاصله به «ب» می فروشد. یک سال بعد از معامله اول، «الف» متوجه می شود که در خرید اتومبیل، به غبن فاحش، مغبون شده است. کدام مورد، صحیح است؟
(۱) «الف» حق فسخ دارد.

(۲) «الف» حق فسخ دارد و پس از فسخ، معامله او با «ب» باطل و مبیع مسترد می شود.

(۳) با توجه به اینکه ذوالخیار، در مبیع تصرفات ناقله انجام داده است، خیار او ساقط می شود.

(۴) با توجه به عدم امکان استرداد مبیع، «الف» حق فسخ ندارد و صرفاً می تواند مطالبه خسارت کند.

ممنوع بودن اطلاع از ضایع، انتقال داده بود

ضایعین می توانند منفس کنند

اصولاً تلف یکی از عوضین مانع از فسخ نیست
بل با تمسک بر آن دارند
انواع فسخ نیست
انواع فسخ نیست

استثناء در ضایع و دیگر نمی توان فسخ کرد
نقطة ای توان این است

آدم ها در دست ندارند، شریک داشته اند.

یک جمله

عند باع به بین باع ما از قبل حالت اشاعه وجود داشته

بیع یکی به مثلاً دیگر باید

خریداری یک نفر که معیوب در آمده به خریدار ضایع دارد.

آیا می تواند نسبت به بعضی باع مانع شوند

از بعضی از این بزرگ ؟

تبعض به امکان پذیر است.

خریدار

بایع ما
رضا ← از رضا ایش برد
دراید

علی

حسن بابت حسن نخ کند

حسن { شرکا جدید در دراید
علی

بایع یک نفر ← از قبل حالت اشاعه وجود نداشته

خریدار چند نفر بایعه خریدارها منع کنند

یا
ایش بگیرند

مع یک مال

ببعضی امکان پذیر نیست

میرد در آمد

نمی شود بعضی منع کنند بعضی ایش بگیرند

باع یک نفر
خریدار یک نفر

میت هر کدام جدا گانه
متخف نشده

عند تابع (یفعال، اجازت گاز، لباسری)
در یک معامله

یا مشتری باید معامله را نسبت به کل مبلغ (یکبار) منع کند

لباسری معرب / یا
ارزش پیر

اگر قیمت هر کالا، جدا گانه متخف شده بود

لے انگار جدا جدا خریدی

س می تواند نسبت به کالای معرب منع کند

یا
ارزش پیر

اگر بعضی از عالم باطل بود

مالہ دہند

2/11/20

← اصل

۲. اکیلو مسحق لیس

۱۰۰ لکھ روپے

۱۸۰

← عالمی سطح پر

آرام‌حایی نبود /

فسخ نمی تواند بلند. فسخ کنند

خدا را بخاطر بعضی صفت دارد

تَقْطِطُ

سید آدم حسینی
و غیرہ

خیار حیوان ہے فقط مخصوص سَری

تا ۳ روز حق نسخ معاملہ را دارد.

اگر تخم ہے حیوان باسد.

ایا خیار حیوان داریم ؟ افتدانی ہے بیزات بلوم
خیار حیوان جایی نہ بیع
حیوان باسد.

خيارات فردی ہے اظہار ارادہ فردی از زبان اطلاع



فردی عرفی است .

لے حیار رڈی وکلف از صفت

لے حیار غبن (صغبن خاصہ و افصی)

لے حیار غیب

لے حیار تدلیس

بہ صدد اکرامی و حقوکی

↓
باطل

خيارات زبان دار

خيار مجلس ہے تا مفرق شدن

خيار صوان ہے تا آروز از تاريخ بيع

خيار شرط ہے تا انتهای مدت

خیارِ ثَمَرِ عِن ہے از روزِ حِیَام خیارِ مَرَلَد می شود .

ارمیت زیاری بلندرد.

مدرسہ سے استاذ ضعیف حیار

خيارات غیر فوری

خياراً ضرعاً

فَارْبَعِينَ مِائَةً

ضیاء محمد سلیم

فیروز محاسبہ ایش

$$\frac{\text{ارسی}}{\text{تحن معالمر}} = \frac{\text{میت کارشناسی (تفاوت سالم و معیوب)}}{\text{میت کارشناسی}}$$

$$\frac{\text{۵- سِدَن}}{\text{۵ سِلَّارِد}} = \frac{\text{۲,۵ سِلَّارِد}}{\text{۵ سِلَّارِد}} \quad (\text{مُحَن سَلَمَر})$$

$$\underline{\text{ایس}} = \frac{\text{نمٹ معاملہ} \times \text{تفاوت سالم و معیوب}^{\text{در بازار}}}{\text{قیمت کارشناسی (بازاری)}}$$

سوال ہے کہ یہ سب سے پہلے قیمت کے ان در بازار یا امیدن است
۸۰ امیدن معاملہ کی سود اگر تفاوت سالم و معیوب در بازار ۱۰ امیدن
ہو، ایس کی قدر کیا ہے؟

$$\frac{10}{100} = \frac{\text{ایس}^{\text{ایس}}}{80}$$

$$8 = \frac{10 \times 80}{100} = \text{ایس}$$

ایضاً اگر به طور فزونی راجعی دافع شوند

اصولاً غیر نافذ

۱- استناد { ضایعات فوری
حق منفه
صلوات
فقری راجعی
آن ها
باطل

ارث

شرط ارث بری ۛ زندہ بودن حسنِ الوقت

زندہ از صردہ ارث ی بری

همزمان مدت کردند ۛ هیچ کدام از ہم ارث نمی برند

صی در غنای عدم

نوع دزدی

طبقه

فرزند نوه و ننیجه
ارلاد

پدر، مادر
والدین

طبقه اول

برادر، خواهر و ارلاد آن ها
اخوه

پدربزرگ، مادربزرگ
اجداد

طبقه دوم

دایی، خاله و ارلاد آن ها
اخوان

مجموعه و ارلاد آن ها
اعمام

طبقه سوم

درجه ← نسل

← طبقه سوم
درجه ۲

مجموعه

پدرمادری

ابیننی

پدری

ای

مادری

لای

تنیه

صنف

هر طبقه، طبقات بعدی را از ارت محرم می‌کند.

هر درجه، درجات بعدی از ارت محرم می‌کند امیرا

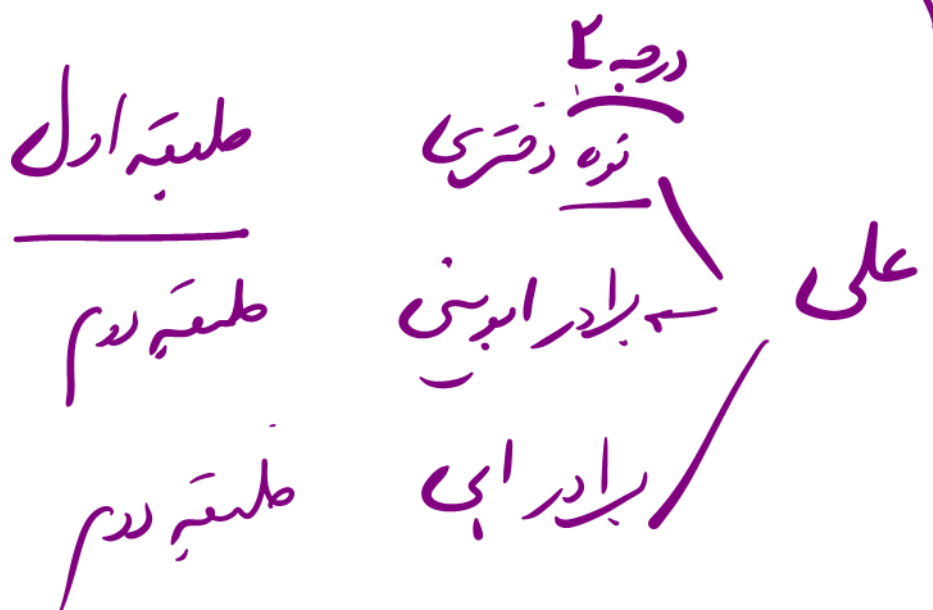
در جریان یک حادثه رانندگی، ابتدا زهره و سپس پدرش علی فوت می‌کنند. بازماندگان علی عبارتند از: یک برادر ابوینی، یک برادر ابی و یک نوه دختری (فرزند زهره). کدام یک از این افراد، وارث علی محسوب می‌شوند؟

(۱) برادر ابی

(۳) نوه دختری ✓

(۲) برادر ابوینی

(۴) برادر ابوینی و نوه دختری



مادر	طلبة ادل	درجه ۱
فرزند	طلبة ادل	<u>درجه ۱</u>

نوه	طلبة ادل	درجه ۲
----------------	----------	--------

~~الابر~~